

رسائل مشروطیت عبدالوهاب فراتی

کتاب رسائل مشروطیت که در سال ۱۳۷۴ به کوشش دکتر غلامحسین زرگری نژاد به پیشگاه اهل تحقیق، تقدیم گردیده از یک مدخل و معرفی هیجده رساله و لایحه درباره مشروطیت فراهم آمده است. مولف در مدخل این اثر به بررسی ماهیت و روند نهضت مشروطه پرداخته و می‌کوشد تا دو تفکر موجود در دو دسته رسائل مشروطه خواهان و مشروعه طلبان و سیر تاریخی موضع گیری دو جریان را در قبال مشروطیت باز نماید. بخش اعظم این کتاب به معرفی رسائل مشروطه اختصاص دارد و آقای زرگری نژاد در آغاز هر رساله، طی مقدمه ای کوتاه مشخصات هر متن و مباحث اصلی هر رساله را برای مخاطب خود توضیح می‌دهد.

انتشار این اثر از دوسو اهمیت دارد: از یک سو زحمات زیادی در تهیه، مقابله و تصحیح نسخ خطی آن به کار رفته و تهیه کننده آن در مقدمه و پاورقی های این اثر، اطلاعات ارزنده و جامعی از نهضت مشروطه، به خواننده خود ارائه می‌کند. از سوی دیگر، بخشی از منابع و متون اندیشه و تفکر سیاسی در تاریخ معاصر ایران را در اختیار محققان قرار می‌دهد و بدین سبب، کمک شایانی در غنای روند تفکر سیاسی در ایران می‌نماید. از آن جا که تصور دمکراسی، آزادی، توزیع قدرت سیاسی و رژیم پارلمانی تا نهضت مشروطیت برای ایرانیان روشن نبود نهضت مذکور، گفتمانی جدید و نقطه عطفی در روند تفکر سیاسی در ایران قلمداد می‌گردد، از این رو آشنایی مستقیم با آثار و متون سیاسی این دوره از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

هرچند در طول دوره قاجاریه، به دلیل سلطه نظام سلطنتی مطلقه، زمینه های مناسب تاملات سیاسی وجود نداشت اما در متن همین نظام بیش از یک صد رساله سیاسی، اقتصادی و... نوشته شد که این معنا نشان از اهمیت تاملات سیاسی در جامعه عهد قاجار است. رسائل مذکور، عمدتاً توسط علما و روشن فکران و تعداد بسیار اندکی از آن ها، توسط تجار تالیف شده اند لکن نکته در خور توجه این است که رسائل تالیف شده توسط علمای دوره قاجاریه به استثنای رسائل وعاظ السلاطین، همه ناظر به انتقاد از استبداد سیاسی و هم ناظر به ضرورت مقابله و ستیز علیه استعمار، خاصه محافظت و مدافعه از استقلال اقتصادی در برابر تهاجمات گسترده سرمایه داری جهانی هستند.

این مسئله اخیر در آثار منورالفکرها در عهد قاجاریه، تقریباً به بوته غفلت سپرده شده و یا راه حل های زیان بارتری را که نقض غرض می باشند دربر دارند. نهایت روشن بینی و حساسیت های ملی - مذهبی علمای متعهد را نشان می‌دهد. در میان مجموعه رسائل سیاسی شناخته شده در دوره قاجاریه، مهم ترین و ارزشمندترین آن ها رسائلی هستند که علما در باب مشروطیت وله یا علیه آن نظام نوشته اند، این رسائل تنها بخشی از تاریخ تفکر سیاسی ایران را در بر ندارند بلکه در لابه لای صفحه های آن ها اطلاعات پراکنده ای در باب اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران وجود دارد. هم چنین در برخی از این رسائل دیدگاه های ضداستعماری و استقلال طلبانه اندیشه مشروطه خواهی و نهضت مشروطیت که هنوز مورد بررسی محققان و عاری از حب و بغض قرار نگرفته است دیده می‌شود.

به هر صورت به نظر می‌رسد آن چه که بر روح کلی این رسائل سایه افکننده این پرسش است که آیا نظام سیاسی مشروطه، هم به لحاظ محتوا و هم به لحاظ ساختار، موافق دین هست یا نه؟ و به تعبیری دیگر آیا حکومت اسلامی، بر نظام مذکور قابل تطبیق می‌باشد یا نه؟ طرفداران و مخالفان مشروطه هرکدام به بررسی و پاسخ این سوال اساسی پرداخته اند که ما در ذیل به محتوای کلی برخی از این رسائل اشاره می‌کنیم.

الف: دیدگاه منفی و انتقادی (۱) تذکره الغافل: این رساله از رسائل مهم مشروعه خواهان است که در آن هم

انتقادهای ایشان علیه مشروطه و مشروطه طلبان و هم تفکر مشروعه خواهی آنان انعکاس یافته است. سوگمندان از نام و نشان مولف این رساله، اطلاعات دقیقی در دست نیست و محققان متعددی مولف آن را، سیداحمد یا شیخ فضل الله نوری یا شیخ عبدالنبی نوری دانسته و در نهایت بنا بر نظر دکتر زرگری نژاد، کاتب آن محمد صادق بن محمد زکی الرشتی الانزلیجی، از طرفداران پروپا قرص شیخ فضل الله نوری، بوده است. به هر صورت به بررسی نظام مشروطه از دیدگاه این رساله می پردازیم:

این که هر ملتی نیازمند به قانون است از مسائل بدیهی است لکن چه قانونی می تواند علاوه بر معاش، امر معاد را مختل نکند؟ لابد چنین قانونی منحصر خواهد بود به قانون الهی، زیرا اوست که جامع جهتین است، اگر کسی ادعا کند که عده ای از عقلا می توانند به منظور شور، گرد هم آیند و قانونی وضع کنند که دربرگیرنده آن دو جهت باشد، پس بعثت انبیا چه می شود؟!

باز اگر کسی توهم کند که نیازهای زمانه تغییردهنده یا تکمیل کنندهء پاره ای از قوانین الهی است و ما می توانیم با شور به وضع آن ها پردازیم، این شخص از دین خارج شده است، زیرا پیامبر اسلام، خاتم انبیا است و قانون او ختم قوانین است. پس این دارالشور اگر مقصودش جعل قانون جدید است، بی اشکال تصدیق به صحت آن، منافات با اقرار نبوت و خاتمیت و کمال دین داشت. اگر مقصود آن ها جعل ترتیب قانون موافق شرع بود اولاً: آن که ربطی به آن جماعت نداشت و ثانیاً: آن که عمل به استحسان عقلی است و حرام، و اگر مقصود آن وضع قانون در عرفیات و غیرشرعیات است پس اسم شرع و قرآن را چرا می برند و در ذیل آن علما امضاء کردند و مخالف آن را معاند امام معصوم(ع) دانستند. اگر منظورشان از مشروطه، اجرای قانون اسلام بود چرا اساس آن را بر مساوات و آزادی گذاردند درحالی که این دو اصل خراب کننده اساس اسلام است، زیرا اقوام دین به عبودیت است نه به آزادی و بنای آن به تفریق مجتمعات و جمع مختلفات است نه به مساوات.

از یک سو فرق نگذاشتن بین مرتد، کافر، اهل کتاب و مسلمان در جامعه اسلامی خلاف دین است و از سوی دیگر آزادگذاشتن قلم و زبان، به القای شبهات و نشر کلمات کفریه منجر می گردد و موجب ضلالت توده مردم می شود. اگر هدف این نظام، تقویت اسلام بود این همه آدم های فاسد و کافر و نیز دولت انگلیس از آن حمایت نمی کردند درحالی که قرآن می فرماید: کفار را ناصر و دوست و محل اسرار خود قرارندهید. درحالی که افراد مثل ملکم، نصاری و کفر حامی اسلام شدند افراد مومن و باتقوا ذلیل و خوار شدند.

و در نهایت، مشروطه، غذایی است که به درد خود اروپاییان می خورد و ایران به علت دارا نبودن سه خصلت، یعنی (۱) وجود مذاهب مختلفه (۲) کمی جندیه و (۳) کثرت ایلات بادیه، نمی تواند به پارلمنت روباورد. این که اروپا به پارلمنت روی آورده است به علت نداشتن این سه نقیصه می باشد و بدین خاطر است که مشروطه در ایران به بی ثباتی و هرج و مرج کشیده شده است.

(۲) حرمت مشروطه: این رساله، مهم ترین منبع در باب اندیشهء مشروعه خواهان و دلایل آنان در حرمت مشروطه و ستیز علیه این نظام سیاسی است که آن را شیخ فضل الله نوری نوشته است، نویسنده در این رساله تلاش می کند تا به دو سوال پیروانش پاسخ گوید، این دو سوال عبارتند از:

الف - چرا مساعدات جدی اولیه حجه الاسلام به مخالفت با مشروطیت و مهاجرت به حضرت عبدالعظیم پیوست، آیا این مخالفت موجب شرعی داشت و به این سبب بود که مشروطه را با قوانین شریعت آسمانی مخالف یافتند؟

ب - اگر علت مخالفت با مشروطه، موجب شرعی نداشت، پس به چه دلیل با آن مخالفت کردید؟
شیخ فضل الله نوری در پاسخ به این دو سوال فوق، اول، به علت همکاری خود با مشروطه خواهان اشاره می کند و

در نهایت به بررسی علل مخالفت خود با نظام مشروطه می پردازد. عدالت خواهی و یا به عبارتی دیگر احیای کلمه طیبه عدل، اساسی ترین انگیزه ای است که نوری را به نهضت کشانده است لکن کم کم کلمات موهمه از مشروطه خواهان شنیده شد و نهضت از هدف اصلی خود منحرف شد.

دیدم دسته ای از مردم وارد بر کار شدند، کم کم کلمات موهمه از ایشان شنیده شد که حمل بر صحت می شد تا آن که یک درجه پرده از آن برداشتند و بنای انتخاب وکلا و مبعوثین و اعتماد بر اکثریت آراء می گذاردند بازهم اغماض شد که این ها برای انتظام امور و بسط عدالت است. تا رفته رفته بنای نظام نامه و قانون نویسی شد. گاهی با بعضی مذاکره می شد که این دستگاه چه معنا دارد؟ چنین می نماید که جعل بدعتی و احداث ضلالتی می خواهند بکنند، والا وکالت چه معنا دارد؟ موکل کیست و موکل فیه چیست؟ اگر مطالب امور عرفیه است این ترتیبات دینی لازم نیست و اگر مقصد امور شرعیه عامه است این امر راجع به ولایت است نه وکالت، و ولایت در زمان غیبت امام زمان(ع) با فقها و مجتهدین است نه فلان بقال و بزاز، و اعتبار به اکثریت آراء به مذهب امامیه غلط است و قانون نویسی چه معنا دارد؟ قانون ما مسلمانان همان اسلام است.

ب - دیدگاه جانبدارانه

۱) مقاله سوال و جواب در فواید مجلس: این رساله که توسط حاج سید نصراله تقوی به نگارش درآمده قدیمی ترین رساله ای است که در دفاع از مشروطه نوشته شده است.

نویسنده آن که از علمای معروف دوره مشروطه و از فعالین این نهضت به شمار می رفت، در دوره اول به عنوان نماینده وعاظ و ذاکرین به مجلس رفت. وی پس از شنیدن اولین زمزمه های میانیت مشروطه با شریعت بر آن شد تا به شبهات مخالفان پاسخ دهد. او در این رساله در علت یابی موضع جانبدارانه برخی از علما نسبت به نظام مشروطه معتقد است که مملکت بی قانون با وجود نظام های قانونمند و سلطه گر در دنیا، لقمه طیب و اکل حلال می گردد در چنین شرایطی، چه راهی را باید برگزید یا باید تسلیم شویم و طوق بندگی بر گردن نهیم و با دست خود اسلام را تنها گذاریم و یا این که طوایف فاسده و فرق ضاله سبقت گیرند و قدرت را به چنگ آورند و بدین صورت مذهبمان تغییر یابد و یا این که مخالفین مذهب و آنانی که مذهب را مضیع حقوق بشر می دانند سوارکار شوند و یا این که در نهایت علما، خود کمر همت ببندند و مجلسی را که حافظ حقوق ملت و مجری قوانین اسلام باشد بنا کنند.

ولی در ادامه، شبهه مخالفین مشروطه (مبنی بر مخالفت قوانین مشروطه با شریعت) را ناشی از قلت تامل و قصور اطلاع می داند و معتقد می شود که در مسئله مشروطیت باید بین مواد قانونی و هیئت قانونی فرق گذاشت پس ممکن است ما در وضع ماده قانونی، محتاج به اختراع وضع جدید یا التزام به رشتهء تقلید دولت مجاور نبوده باشیم، فقط تصرف جدیدی که در کار دارد همان هیئت و ترتیب است که برای اجرای مواد قانون، گریزی از مراعات او نیست و در همین نقطه است که اروپاییان خود را مقتدای عالم دانسته اند و تجربه ها به مرور ادوار پیدا کرده، راه به موقع اجرا آوردن قوانین را صاف نموده اند به عبارت اخری، در این تغییر وضع، نتیجه ای که از اقدامات علما حاصل است این است که همان قوانین موضوعه آل محمد(ص) که از زمان تصدی والیان جور تا به اکنون مهجور و معطل مانده، به توسط امنای دولت و ملت و امضای شخص شاخص سلطنت به موقع اجرا آید.

۲) رسالهء انصافیه: رساله انصافیه، اثر مرحوم حاج ملاعبدالرسول کاشانی، رساله ای است که در دفاع از مشروطیت و به قصد اثبات عدم میانیت آن با شریعت مقدسهء اسلامی نوشته شده است. نویسنده در سراسر رساله نشان می دهد که روحانی آگاه، زمان شناس، ضداستبداد و استعمار است شناخت او از دسایس استعماری و حساسیت او نسبت به حمایت از اقتصاد ملی، به خوبی گویای روشن اندیشی وی در مقابله استبداد و استعمار

است.

وی از همان آغاز، بحث خویش را با بیان تفاوت میان حیوان و انسان آغاز می کند. از نظر او آن چه انسان را از حیوان متمایز می سازد آزادی است، معنای آزادی نیز در نزد این عالم مشروطه خواه، این است که انسان مختار نفس، مال، عیال، منزل و کسب و امور معاشیه، قلم، طبع عقاید و تعلیمات و حرکت و سکون خود باشد، این معنی را حضرت محمد(ص) در حدیث الناس مسلطون علی اموالهم بیان کرده است. مرحوم کاشانی پس از تعریف آزادی، به تبیین لزوم آزادی می پردازد و می نویسد که: انسان آزادی لازم دارد تا دیگری مانع از ترقی نفسانی و مالی او نباشد، این معنا نیز در حدیث: لا ضرر ولا ضرار فی الاسلام آمده است. اما از آن جا که از نظر او آزادی مطلق موجب تحدید آزادی دیگران و حتی تعدی به افراد دیگر می شود بنابراین آزادی فردی قلمرو و محدوده ویژه ای دارد تا از خودسری قابل انفکاک باشد، این قلمرو کجاست؟

پاسخ نویسنده این است که قلمرو آزادی فردی و مرز نهایی آن، قانون است. از این رو باید به قانون پاک و بی نقص تمکین شد ولی از آن جا که انسان تحت تاثیر قوای غضبیه و شهویه است طبعا نخواهد توانست که مقنن و حاکم باشد پس وضع قانون کامل، تنها از سوی خداوند میسر است. به عقیده وی، دلیل نیاز غیرمسلمانان به مشروطه، فقدان قانون کامل است با این حال با اندک تاملی می بینیم که پارلمنت های دولت های متمدنه زحمت ها کشیدند، قوانین وضع کردند ناسخ و منسوخ هم داشتند ولی نهایتا نتوانستند، قوانین کاملی وضع کنند.

ملا عبدالرسول در ادامه بحث خود به دفاع از مشروطه می پردازد و تاکید می کند که چون ما هنوز معنای مشروطه را نفهمیده ایم بدون تحقیق با آن مخالفت می کنیم.

مشروطه در نقطه مقابل مطلقه قرارداد و تمکین به آن و نفی مطلقیت قدرت، تمکینی عقلی است. از سوی دیگر چون معنای مشروطیت، عموماً، جز تمکین به عدالت نیست و عدالت در شریعت اسلامی نیز رکن اصلی و لازمه حکومت است پس میان مشروطیت و شریعت تضادی نخواهد بود بل مشروطیت از شریعت اخذ شده است. البته ادعای اخذ مشروطیت از اسلام عقیده ای است که تعداد قابل توجهی از علمای طرفدار مشروطه به آن باور داشتند. چنان که در رسالهء مقیم و مسافر، مرحوم آقا نور الله اصفهانی تاکید می کند که: آن چه طرفداران مشروطه می گویند، همان قانون و دستورالعمل حضرت خاتم الانبیا است. در پایان این نوشتار به ذکر مابقی این رسائل بسنده می کنیم:

۱- کشف المراد من المشروطه والاستبداد ۲- دلائل براهین الفرقان فی بطلان قوانین نواسخ محکمت القرآن ۳- احیاء المله ۴- بیان معنی سلطنت مشروطه و فوائدها ۵- سنوالبهای دائر بر مشروطیت ۶- کلمه حق یراد بها الباطل ۷- قانون مشروطهء مشروعه ۸- رساله قانون در اتحاد دولت و ملت ۹- مکالمات مقیم و مسافر ۱۰- مراد از سلطنت مشروطه ۱۱- مراد از مشروطیت در سایر ممالک، مقصود از مشروطیت در ایران ۱۲- اللئالی المربوطه فی وجوب المشروطه ۱۳- کلمه جامعه شمس کاشمیری ۱۴- رساله توضیح مرام [تشیع با مشروطیت منافی نیست].

منابع:

حکومت اسلامی ۱۳۷۵ شماره ۲